

حق زندانیان بر تحصیل در قلمرو سیاست جنایی تقنینی سازمان ملل متحد و ایران

امیرحسین نیازپور*

چکیده

بازپروری بزه‌کاران از جمله هدف‌های بنیادی عدالت کیفری است که در پرتو آن نظام شخصیت این دسته بازسازی شده و امکان دوباره هنجارمند شدن و بازگشت آنان به جامعه تقویت می‌شود. زندان که هنوز مورد توجه‌ترین کیفر است، اصلی‌ترین بستر برای دسترسی به این هدف به شمار می‌رود. زیرا، در محیط زندان برنامه‌های متعددی برای اصلاح و درمان بزه‌کاران تدوین شده و به اجراء در می‌آیند که تحصیل زندانیان از اساسی‌ترین برنامه‌های بازپرورانه است. در پرتو آن بزه‌کاران، از یک سو به یکی از مصادیق برجسته حق‌های بشری (حق بر تحصیل) دست می‌یابند و از سوی دیگر، به سمت هنجارمندی پیش می‌روند. در قلمرو سیاست جنایی سازمان ملل متحد به جهت اهمیت این حق اسناد متعدد الزام آور و ارشادگر آموزش و پرورش زندانیان را در شمار تعهدات دولت‌ها و یا توصیه‌های بین‌المللی قرار داده‌اند. هم‌چنین، در پهنه سیاست جنایی ایران حق بر بازپروری بزه‌کاران و در راستای آن تحصیل زندانیان در بالا‌ترین سطح سیاست‌گذاری شناسایی شده است. چنان‌که، می‌توان از اساسی‌سازی، فراگیر سازی و حقوقی‌سازی سخن گفت. در این نوشتار، ضمن شناسایی ابعاد بازپرورانه حق زندانیان بر تحصیل، رویکرد سیاست جنایی سازمان ملل متحد (الف) و سیاست جنایی ایران (ب) در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: حق بر تحصیل، زندانیان، بازپروری بزه‌کاران، جرم‌شناسی بالینی، سیاست جنایی.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: niapah@yahoo.com

مقدمه

نظام عدالت کیفری برای پاسخ بزه‌کاری معمولاً از رویکردهای سزاگرایی، بازدارندگی، توان‌گیری و بازپروری به مناسبت استفاده می‌کند. (سیگل، ۲۰۰۸: ۲۵) در این میان رویکرد اصلاحی - درمانی با در نظر داشتن آینده بزه‌کاران صرفاً به دنبال یک هدف بنیادی یعنی، بازسازی شخصیت بزه‌کاران است. نظام عدالت کیفری در پرتو این رویکرد بر بهسازی وضعیت رفتاری مجرمان متمرکز شده و از این رهگذر در جهت ساماندهی پیکره شخصیت مرتکبان بزه‌کاری گام برمی‌دارد. (شیکر، ۱۳۸۹: ۵۹) این سامانه فرآیند پاسخ‌دهی به جرم را بستری مناسب برای دوباره اجتماعی کردن بزه‌کاران و تضمین آینده رفتاری آنان می‌پندارد. بازپروری بزه‌کاران برای نخستین بار از سوی بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی البته در قالب درمان پزشکی مورد توجه قرار گرفت. (صفاری، ۱۳۸۴: ۱۱۵) به تدریج و با پیدایش دیگر مکتب‌ها و جنبش‌های جرم‌شناسانه پهنای بازپروری مجرمان گسترش یافت و درمان اجتماعی بزه‌کاران نیز در شمار هدف‌های عدالت کیفری گنجانده شده است. در این بستر فکری نظام عدالت کیفری صرفاً نباید به دنبال تحمیل رنج / عذاب بر مجرمان باشد، بلکه باید به هنجار آموزی و هم‌نوآوری آنان با قواعد اجتماعی مبادرت ورزد. این نگرش نویافته به مجازات علاوه بر برخورداری از بنیان‌های جرم‌شناسانه تحت تأثیر تحولات بنیادین اجتماعی و سیاسی پس از جنگ دوم جهانی پدید آمد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۴۸) این که، بزه‌کاران عضوی از جامعه انسانی‌اند و نظام عدالت کیفری برای برخورد با این دسته باید الزامات حقوق بشری را رعایت کند. زیرا، همه انسان‌ها ذاتاً دارای کرامت‌اند و نیز بزه‌کاری از عوامل متعددی سرچشمه می‌گیرد که شماری از آن‌ها در ناقص بودن اقدام‌های دولت در زمینه جامعه‌پذیرسازی شهروندان ریشه دارند. در واقع، این کوتاهی / کم‌کاری دولت‌ها در ایجاد محیط مناسب جهت سپری شدن درست فرآیند رشد افراد است که تعدادی از آنان را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد. بر این اساس، دولت‌ها باید با «رویکردی رفاه مدار» درصدد زمینه‌سازی برای بهتر کردن شرایط زندگی کلیه شهروندان از جمله بزه‌کاران باشند. پس، نهایتاً در این گستره فکری - اجتماعی - سیاسی ترمیم فرآیند مختل شده تربیتی بزه‌کاران به منظور بازگشت این دسته به زندگی سالم اجتماعی بر عهده زندان گذاشته شده است. (کارابینه، ۲۰۰۹: ۳۵۹) البته، ناگفته نماند که شکست دیدگاه‌های جرم‌شناسانه پیشین در زمینه کنترل بزه‌کاری در پیدایش این رویکرد نوپیدا نقش آفرین بوده است. به هر رو، نظام‌های عدالت کیفری با پذیرش رویکرد اصلاحی - درمانی آرمان خود را بهسازی بزه‌کاران قرار داده‌اند. (نیازپور، ۱۳۸۵: ۱۴۷) بدیهی است، زندان برای دسترسی به این آرمان به ابزارها و ساز و کارهای متعددی نیازمند است که در این میان، آموزش و پرورش بزه‌کاران از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. زیرا، بی‌سواد یا کم‌سواد بودن دسته‌ای از بزه‌کاران و نیز درست تربیت نشدن آنان در محیط مدرسه می‌تواند در ناآشنا ماندن اینان

با ارزش‌های اجتماعی و در نتیجه گرایش آنان به بزه‌کاری نقش آفرین باشد. پس، باید در عرصه عدالت کیفری آموزه‌های علمی و تربیتی (البته تا آن‌جا که ضروری و امکان‌پذیر است) را به این دسته آموخت. به این ترتیب، تحصیل مجرمان در قالب برنامه‌های اصلاحی - درمانی مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی و ملی قرار گرفته است تا از این رهگذر امکان بازپذیری اجتماعی بزه‌کاران در این پهنه فراهم شود. بر این اساس، بستر سازی برای تحصیل زندانیان که سطح سازگاری آنان با جامعه عمدتاً چندان بالا نیست، از مهم‌ترین اقدام‌های نظام عدالت کیفری جهت بازپروری این دسته است. (دانش، ۱۳۷۶: ۳۷۱)

تحصیل بزه‌کاران در محیط عدالت کیفری دارای جنبه‌های متعددی است. شکل غالب آن ماهیت «حق» دارد. بر این اساس، نظام عدالت کیفری باید در صدد بسترسازی برای دسترسی مجرمان به آن برآیند. به این سان، بزه‌کاران حق دارند با وجود کیفر شدن به تحصیل نیز مبادرت ورزند. زیرا، مجازات بزه‌کاران خصوصاً از رهگذر زندان به معنای سلب کلیه حق‌های بنیادی شهروندان نیست، بلکه صرفاً تعدادی از این حق‌ها به مناسبت محدود و یا سلب می‌شوند. اما، در این زمانه سیاست‌گذاران جنایی با توجه به ظرفیت‌های بازپرورانه آموزش و پرورش به آن ماهیت «تکلیف» نیز بخشیده‌اند. به این صورت که، مرتکبان بزه‌کاری باید در پهنه عدالت کیفری مشمول تدابیر آموزشی و پرورشی قرار گیرند. از این رو، کارگزاران عدالت کیفری می‌توانند بر پایه خصیصه‌های فردی و محیطی مجرمان نسبت به مکلف ساختن آنان به تحصیل تصمیم‌گیری کنند. به عنوان مثال، می‌توان به ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره داشت که در تبصره بند الف آن «فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی» در چارچوب یک تکلیف پیش‌بینی شده است. به این ترتیب، تحصیل بزه‌کاران در بستر عدالت کیفری به دو شکل حق و تکلیف یا حق و پاسخ به رسمیت شناخته شده است تا به این واسطه اسباب بازپروری مجرمان فراهم شود.

به این ترتیب، بازپروری بزه‌کاران و در پرتو آن آموزش و پرورش این دسته که در بهبود نظام رفتاری آنان نقش بنیادی ایفاء می‌کند از سوی سیاست‌گذاران جنایی سازمان ملل متحد و در اسناد الزام‌آور و ارشادگر به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر این، در چارچوب سیاست جنایی ایران نیز در شمار تکالیف بنیادی زندان و حق‌های مهم زندانیان گنجانده شده است.

با وجود شناسایی حق بر تحصیل زندانیان همواره این پرسش‌ها مطرح است که سیاست‌گذاران جنایی سازمان ملل متحد در چه سطح و به چه شکل به آن توجه کرده‌اند؟ آیا در چارچوب این سیاست‌ها، تدابیر مناسب برای تضمین این حق پیش‌بینی شده است؟ و این که تا چه اندازه میان سیاست جنایی بین‌المللی و ایران همسویی وجود دارد؟

بر همین اساس، در این نوشتار رویکردی سیاست جنایی بین‌المللی و ایران معیار دسته‌بندی قرار گرفت تا ضمن شناسایی حق تحصیل زندانیان در هر دو عرصه، سطح و چگونگی توجه به آن با یکدیگر مقایسه شود. بنابراین، رویکرد سیاست جنایی سازمان ملل

متحد(الف) و رویکرد سیاست جنایی ایران(ب) به تحصیل زندانیان مورد تحلیل کیفرشناسانه، جرم‌شناسانه قرار می‌گیرد.

الف- رویکرد سیاست جنایی سازمان ملل متحد به تحصیل زندانیان

۱. رویکرد فراگیر به تحصیل زندانیان

فراگیری دانش صرفاً به علم آموزی و یادگیری نکته‌های علمی محدود نمی‌شود، بلکه موجبات آشنا شدن شهروندان با ارزش‌های اساسی جامعه و چگونگی برخورد آنان با مناسبت‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد. در واقع، آموزش و پرورش بستری مناسب برای ارتقاء سطح دانش و جامعه‌پذیرسازی افراد به شمار می‌رود. (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۸۶: ۲۶)

همین کارکرد بنیادی آموزش و پرورش سبب شده است تا سیاست‌گذاران بین‌المللی آن را در پرتو اسناد متعدد الزام‌آور و ارشادگر برای کلیه شهروندان به رسمیت شناسند. مطابق این اسناد از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ «هر کس از حق آموزش و پرورش برخوردار است. آموزش و پرورش دست کم باید در دوره ابتدایی جنبه رایگان داشته باشد. [ضمناً] آموزش و پرورش دوره ابتدایی اجباری است ...» (بند ۱) علاوه بر این، «آموزش و پرورش باید به گونه‌ای به اجراء در آید که شخصیت انسانی هر کس را به کمال رشد رسانده و احترام‌گذاری به حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت نماید. [در واقع] آموزش و پرورش باید اسباب حسن تفاهم، گذشت و احترام‌گذاری به عقاید مخالف و دوستی ... در راه حفظ صلح را فراهم سازد.» ملاحظه می‌شود که بر پایه این سیاست، آموزش و پرورش، از حیث کمی باید جنبه فراگیر داشته باشد؛ چنان که همگان بتوانند در پهنای آن قرار گیرند و به سمت علم‌آموزی سوق یابند و از نظر کیفی باید در کنار ارتقاء سطح دانش عرصه‌ای برای پرورش و رشد شخصیت شهروندان و متمایل ساختن آنان به سوی پیروی از قواعد اجتماعی به شمار آید؛ به گونه‌ای که افراد در این بستر به سمت هنجارمند شدن رهنمون شوند. پیش‌بینی این خصیصه‌ها برای آموزش و پرورش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران بین‌المللی به ماهیت حق - مطالبه‌ای آن برای همه شهروندان توجه داشته‌اند؛ خواه شماری از آنان بزه‌کار و یا ناکرده بزه باشند. به این سان، کلیه شهروندان چه بزه‌کار و چه ناکرده بزه از حق بر تحصیل برخوردارند و از این رو، دولت‌ها باید از رهگذر یک برنامه‌ریزی سنجیده زمینه‌های دسترسی همگان به آن را فراهم آورند(هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۰۳). بنابراین، زندانیان با وجود این که دوره‌ای از زندگی خود را در درون زندان سپری می‌کنند، مانند سایر شهروندان می‌توانند به تحصیل مبادرت ورزند؛ بی آن که بر سر راه این دسته مانع وجود داشته باشد. چه این که، حق بر تحصیل از مصادیق حق‌های بنیادی بشری بوده و سلب آن امکان‌ناپذیر است. پس، زندانیان در پرتو اسناد فراگیر بین‌المللی دارای حق بر تحصیل‌اند و از همین رو دولت‌ها باید امکانات مناسب برای دسترسی این دسته به حق مذکور را فراهم

سازند. بدیهی است، ویژگی‌های این حق (چه در بعد کمی و چه از حیث کیفی) در خصوص زندانیان نیز باید به رسمیت شناخته شود. یعنی، این حق باید به صورت فراگیر، رایگان و شخصیت پرور در دسترس زندانیان قرار گیرد. البته پیش‌بینی این حق به شکل فراگیر برای کلیه شهروندان از جمله زندانیان به اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ محدود نمی‌شود، بلکه در تعداد دیگری از اسناد بین‌المللی مثل ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ و ماده ۲۸ پیمان حقوق کودک ۱۹۸۹ حتی با رویکرد الزام‌آور بر حق همگان در برخورداری از آموزش و پرورش تأکید گردیده است. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که در گستره جهانی آموزش و پرورش شهروندان از جمله بزه‌کاران در شمار تکالیف بنیادی دولت‌ها گنجانده شده است تا به این واسطه همگان امکان دسترسی به این حق بشری را بیابند؛ این حق که در پروراندن شخصیت افراد و هم‌نوسازی آنان با الزامات اجتماعی بسیار تأثیرگذار است (دوآ، ۱۳۸۲: ۲۸۵).

۲. رویکرد ویژه به تحصیل زندانیان

سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی تحت تأثیر جنبش‌های جرم‌شناسانه و با الهام از آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی که بر ظرفیت‌ها/ قابلیت‌های بازپرورانه زندان بیش از دیگر کارکردهای این مجازات تأکید دارد، به تدوین اسناد متعدد به منظور چگونگی اجراء این مجازات مبادرت ورزیده‌اند. اما، در این میان قواعد کمیته سازمان ملل متحد در زمینه چگونگی رفتار با زندانیان ۱۹۵۵، قواعد کمیته سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان ۱۹۸۵ و قواعد کمیته سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از نوجوانان مشمول تدابیر سلب‌کننده آزادی ۱۹۹۰ از جمله شاخص‌ترین اسناد بین‌المللی‌اند که چگونگی اجراء تدابیر سلب‌کننده آزادی در خصوص بزرگسالان و کودکان بزه‌کار را تبیین کرده‌اند.

بر اساس این اسناد، آموزش و پرورش زندانیان در شمار حق‌های بنیادی این دسته بوده و به همین جهت دولت‌ها به سمت شناسایی حق زندانیان در برخورداری از آموزش و پرورش و تهیه امکانات مناسب برای دسترسی اینان به حق مذکور رهنمون شده‌اند.

از این رو، مطابق ماده ۷۷ سند قواعد کمیته سازمان ملل متحد در زمینه چگونگی رفتار با زندانیان ۱۹۵۵ به دولت‌ها سفارش شده است تا «امکاناتی برای تعلیم بیش‌تر کلیه زندانیان که امکان استفاده از این حق دارند را پیش‌بینی نمایند ... و [در این راستا] آموزش اجباری بی‌سوادان و زندانیان جوان [برنامه‌ریزی کنند] ...» (بند ۱) و نیز «تا آن‌جا که امکان پذیر است نسبت به هماهنگی آموزش زندانیان با نظام آموزشی ملی [کشور] مبادرت ورزند تا به این واسطه زندانیان بتوانند پس از آزادی بدون مشکل تحصیلات خود را ادامه دهند.» (بند ۲) پیدا است که در پرتو این سند فراگیر بودن، اجباری بودن به عنوان خصیصه‌های اصلی این حق زندانیان شناسایی شده است؛ ویژگی‌هایی که در حق بنیادی بشری یعنی،

حق همگان در بهره‌مندی از آموزش و پرورش ریشه دارند. علاوه بر این، نویسندگان سند مذکور بر انطباق برنامه‌های آموزشی و پرورشی زندانیان با نظام ملی / کشوری آموزش و پرورش تأکید گردیده است. زیرا، هدف از شناسایی این حق برای زندانیان و بسترسازی جهت بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی و بازپروری این دسته است. (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۳۸۱: ۲۰۲) پس، نظام عدالت کیفری باید با رویکردی رفاه‌گرایانه اسباب اصلاح و درمان این گروه از شهروندان را فراهم آورد. (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۸۹) این رویکرد سیاست جنایی بین‌المللی در شماری از اسناد ناظر به کودکان بزه‌کار نیز تبلور یافته است. قواعد کمیته سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان ۱۹۸۵ از جمله آن‌هاست که از رهگذر بند ۱ ماده ۲۶ «هدف آموزش نوجوانان در نهادهای سالب آزادی را مراقبت / حمایت و آموزش و پرورش [تحصیل]... و کمک به نقش‌های سازنده اجتماعی...» بر شمرده‌اند. در همین راستا، به موجب بند ۲ این ماده اشاره شده است که: «نوجوانان در این نهادها از مراقبت / حمایت و کلیه کمک‌های لازم اجتماعی، آموزشی، حرفه‌ای... و متناسب با شخصیت‌شان... برخوردار می‌شوند.» ملاحظه می‌شود که تدوین کنندگان این سند حق کودکان بزه‌کار در برخورداری از آموزش و پرورش را به منظور اصلاح و درمان این دسته از بزه‌کاران به رسمیت شناخته‌اند تا از این رهگذر آنان به سمت هنجارپذیری و هم‌نوایی با الزامات اجتماعی سوق یابند.

نویسندگان این سند در کنار توجه به ویژگی‌های پیش گفته حق کودکان زندانی بر آموزش و پرورش به تهیه امکانات مساوی برای کودکان پسر و دختر مشمول تدابیر سلب‌کننده آزادی در این زمینه اشاره داشته‌اند. مطابق بند ۴ ماده مذکور «بزه‌کاران نوجوان مؤنث... نباید مراقبت / حمایت، کمک، [امکانات] آموزشی کم‌تر از بزه‌کاران نوجوان مذکر دریافت نمایند...». پس، بر پایه این بند به دولت‌ها توصیه شده است تا برای کلیه بزه‌کاران نوجوان به صورت یکسان و بدون تفاوت‌گذاری امکانات تحصیل این دسته فراهم شود. بدیهی است، در پرتو این سند برابری بزه‌کاران کودک در بهره‌مندی از تدابیر آموزشی و پرورشی یکی از سازوکارهای مهم دستیابی به هدف‌های بازپرورانه نظام عدالت کیفری معرفی شده است.

در ادامه این رویکرد، نویسندگان قواعد کمیته سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از نوجوانان مشمول تدابیر سلب‌کننده آزادی ۱۹۹۰ در ماده ۳۸ آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بزه‌کار را از جمله شاخص‌ترین سازوکارهای اصلاحی - درمانی پنداشته‌اند. بر اساس این ماده «هر نوجوان که در سن تحصیلات اجباری مدرسه‌ای قرار دارد، از حق آموزش و پرورش برخوردار می‌باشد تا از این رهگذر زمینه‌های بازگشت آنان به جامعه فراهم گردد...» البته در این سند برای حق این دسته از بزه‌کاران در برخورداری از آموزش و پرورش ویژگی‌های فراگیر بودن، اجباری بودن، هدفمند بودن و برچسب ناپذیر بودن را پیش‌بینی گردیده‌اند. به موجب ماده ۳۸ کلیه کودکان و نوجوانان مشمول تدابیر سلب‌کننده آزادی که در سن تحصیلات اجباری قرار دارند، باید از امکانات آموزشی - پرورشی

برخوردار شوند. ضمن این که، بر پایه ماده ۳۹ «نوجوانان بالای سن تحصیلات اجباری که خواستار ادامه تحصیل باشند...» نیز باید از برنامه‌های آموزشی- پرورشی مناسب بهره‌مند گردند. پس، در پرتو این سیاست که بر فراگیر بودن حق آموزش و پرورش کودکان زندانی تأکید دارد، باید همه کودکان و نوجوانان محبوس امکان تحصیل در مدرسه و نیز ادامه آن در دانشگاه‌ها را بیابند. نیز، این حق باید برای آن دسته از کودکان زندانی که در دوره سنی تحصیلات اجباری قرار دارند، به شکل الزامی/ اجباری پیش‌بینی و اجرا گردد. از این رو، در صدر ماده ۳۸ اجباری بودن آموزش و پرورش این گروه از بزه‌کاران مورد توجه واقع شده است.

علاوه بر این، حق آموزش و پرورش کودکان زندانی باید به صورت هدفمند به اجرا در آید. یعنی این که، تحصیل این دسته از بزه‌کاران باید با اصول و شیوه‌های نظام آموزش و پرورش هماهنگ باشد تا به این وسیله کودکان و نوجوانان بزه‌کار پس از رها شدن از زندان بتوانند به ادامه تحصیل مبادرت ورزند. ماده ۳۸ سند مذکور در این خصوص مقرر کرده است که: «... آموزش‌ها باید در صورت امکان بیرون از بازداشتگاه‌ها و در مدرسه‌ها انجام پذیرد. به هر رو، مدرسه باید دارای معلمان صلاحیت‌دار باشند، به گونه‌ای که بتوانند پس از آزادی به تحصیلات خود ادامه دهند...».

در کنار این‌ها، در ماده ۴۰ این سند بیان شده است که: «گواهی‌نامه‌هایی که در مدت بازداشت به نوجوانان داده می‌شوند، نباید نمایانگر حضور [این دسته] در بازداشتگاه‌ها باشند.» این ماده به دنبال ترویج این نکته است که حضور کودکان و نوجوانان بزه‌کار در قلمرو عدالت کیفری به جهت پیامدهای منفی متعددی که به دنبال دارد باید پیوسته پنهان باشد. زیرا، پنهان‌کاری در این زمینه احتمال خوردن برچسب بزه‌کار و حتی پایداری آنان در ورطه بزه‌کاری را با کاهش مواجه می‌سازد. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که آموزش و پرورش زندانیان (خواه بزرگسال و خواه کودک) در عرصه سیاست جنایی بین‌المللی به عنوان یک حق بنیادی برای این دسته از بزه‌کاران شناسایی شده است تا از این رهگذر آنان به سوی اجتماعی شدن رهنمون شوند.

ب- رویکرد سیاست جنایی ایران به تحصیل زندانیان

۱. رویکرد فراگیر به تحصیل زندانیان

در گستره سیاست جنایی ایران حق تحصیل در بالاترین سطح تقنینی به رسمیت شناخته است. اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برجسته‌ترین نمود این توجه می‌باشد. به موجب این اصل «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». بر پایه این اصل همه شهروندان خواه ناکردگان بزه و خواه بزه‌کاران حق دارند تا پایان دوره متوسطه به صورت رایگان به تحصیل

مبادرت ورزند. از این رو، دولت‌ها باید در بستر جامعه و یا در گستره عدالت کیفری اسباب دسترسی شهروندان به این حق را فراهم سازند. (صلاحی، ۱۳۸۹: ۲۲۱) به این ترتیب، با توجه به فراگیر بودن عبارت «... همه ملت...» در اصل مذکور دولت‌ها مکلفند نسبت به دستیابی زندانیان به این حق نیز سیاست‌گذاری کنند. پیرو همین سیاست، قانون‌گذار عادی ایران از رهگذر بند ۲۲ ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش ۱۳۶۶ «تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه» را در شمار وظایف اصلی این وزارت گنجانده است. به این سان، این وزارت مکلف شده است تا پایان دوره متوسطه به تهیه امکانات مناسب در زمینه تحصیل رایگان کلیه افراد از جمله زندانیان مبادرت ورزد. پس، بر پایه این مقررات آموزش و پرورش زندانیان در شمار حق‌های اساسی آنان بوده و بر همین اساس دولت باید در راستای اجرایی- عملیاتی کردن آن گام بردارد.

علاوه بر این، حق بر آموزش و پرورش در قانون برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو، در ماده ۵۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۸۳ «دولت موظف [شده] است به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی... و توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی... اقدام‌های ذیل... را به انجام برساند: الف) توسعه زمینه‌های لازم برای اجراء برنامه آموزش برای همه، ب) اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی...» ملاحظه می‌شود که در پرتو این ماده به چگونگی و ابعاد آموزش و پرورش همگان توجه شده است. به این صورت که، از یک سو بسترهای آموزش و پرورش حتی در زندان‌ها باید گسترش یابد و از سوی دیگر، تا پایان دوره راهنمایی تحصیل کلیه شهروندان اجباری/ الزامی گردد. با وجود این، قانون‌گذار عادی ایران در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۹۰ به موجب ماده ۲۱۱ به شکل شفاف‌تری به این حق زندانیان اشاره نموده است. از این رو، بر اساس قسمت ۴ بند ن این ماده «آموزش زندانیان واجد شرایط با همکاری وزارت آموزش و پرورش» به دستگاه قضایی واگذار شده است تا به واسطه تعامل این نهاد با وزارت آموزش و پرورش دسترسی شهروندان زندانی به حق بر تحصیل امکان‌پذیر شود. به این ترتیب، در پهنه سیاست جنایی ایران در سطح‌های مختلف تقنینی حق همگان در بهره‌مندی از آموزش و پرورش که تا پایان دوره متوسطه رایگان باشد، شناسایی شده است. بنابراین، زندانیان نیز مانند سایر شهروندان حق دارند به تحصیل مبادرت ورزند تا آن گونه که در ابتداء بند ن ماده پیش‌گفته مقرر گردیده است زمینه‌های باز اجتماعی شدن محکومان به زندان مهیا شود.

۲- رویکرد ویژه به تحصیل زندانیان

در قلمرو سیاست جنایی ایران بازپروری بزه‌کاران در محیط زندان به شکل‌های مختلف مورد توجه واقع شده است. نمونه بارز آن ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۳۸۴ است که هدف زندان را اصلاح و درمان بزه‌کاران معرفی کرده است. بر اساس این ماده «زندان محلی است که در آن محکوم‌هایی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می‌شوند.» این سیاست کلی و راهبر گویای ماهیت اصلی پاسخ‌های سلب‌کننده آزادی است؛ این که زندان باید بستری برای بازپروری بزه‌کاران باشد و اسباب دوباره اجتماعی شدن این دسته را فراهم آورد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵: ۱۲)

تحصیل بزه‌کاران یکی از مهم‌ترین ابزارهای اصلاح و درمان در این عرصه است که در همین چارچوب توسط نویسندگان آیین‌نامه مذکور و پیش‌تر از آن در شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی مورد توجه قرار گرفته است. در سطح مقررات تقنینی قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» ۱۳۶۴ نخستین نمونه سیاست تقنینی ایران در این زمینه به شمار می‌رود. مطابق بند ب ماده ۲ این آیین‌نامه «ایجاد امکانات و تسهیلات لازم در زمینه اصلاح و ارشاد و آموزش زندانیان و حرفه‌آموزی آن‌ها» در شمار وظایف بنیادی سازمان مزبور گنجانده شده است.

در قلمرو مقررات فروتقنینی هم تدوین‌کنندگان اساسنامه انجمن‌های حمایت زندانیان ۱۳۶۰ برای مرتبه نخست و از رهگذر بند ز ماده ۱۷ «مساعدت در سوادآموزی، حرفه‌آموزی، ورزش، تبلیغات فرهنگی و دینی» را به رسمیت شناخته‌اند. سپس، در سال ۱۳۷۸ به موجب بندهای الف و ب ماده ۳ آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج بر آموزش و پرورش بزه‌کاران در بستر پاسخ‌های سلب‌کننده آزادی تأکید شده است. مطابق این بندها «ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تأمین مسکن، اعطای تسهیلات وام بانکی و نظایر آن برای مددجویان» (الف) و «ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزش، بهداشت و درمان، اجتماعی و حقوقی، فرهنگی و مذهبی و...» (ب) از برجسته‌ترین وظایف مرکز مراقبت پس از خروج بزه‌کاران از زندان معرفی گردیده است تا به واسطه این اقدام‌ها مجرمان مشمول تدابیر سلب‌کننده آزادی امکان دسترسی به حق‌های بنیادی از جمله آموزش و پرورش را بیابند.

زیرا، این دسته از بزه‌کاران به جهت ارتکاب رفتار مجرمانه صرفاً، شایسته حبس‌اند. نه این‌که، علاوه بر سلب آزادی از دستیابی به دیگر حق‌ها نیز محروم شوند. در واقع، سزای این گروه از مجرمان زندان است، اما این کیفر نباید در دسترسی زندانیان به دیگر مصادیق حق‌های بنیادی بشری مانع ایجاد کند.

همین رویکرد که در آموزه‌های حقوق بشری و جرم‌شناسانه ریشه دارد، به شکل نظام یافته‌ای در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۳۸۴ مورد توجه واقع شده است. نویسندگان این آیین‌نامه در فصل چهارم «برنامه‌های بازپرورانه» و به موجب ماده ۱۳۶ آموزش و پرورش بزه‌کاران در محیط زندان را در شمار ساز و کارهای مهم اصلاح و درمان مجرمان و حتی در صدر سایر برنامه‌های مذکور قرار داده‌اند. مطابق این ماده زندان‌ها مکلف شده‌اند تا «به منظور سوادآموزی، ارتقاء سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت محکومان و هم‌چنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعدادهاى نهفته آنان...» در راستای آموزش و پرورش زندانیان گام بردارند. بر این اساس، تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مذکور سه خصیصه را برای آموزش و پرورش زندانیان برشمرده‌اند. یکم؛ فراگیر بودن، به این معنا که زندان باید برای دسترسی زندانیان این حق بنیادی امکانات لازم را فراهم نماید تا از رهگذر ایجاد امکانات مناسب احتمال بازپروری این دسته افزایش یابد. از این رو، بر پایه ماده ۱۴۰ «به منظور کمک به بازسازی اجتماعی محکومان و جذب کامل آن‌ها در محیط اجتماعی، سازمان مکلف است وسایل تحصیلی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و عالی و دوره‌های تخصصی، علمی و فنی حرفه‌ای را برای علاقه‌مندان به ادامه تحصیل با اجرای برنامه‌های عادی یا مکاتبه‌ای و رعایت مقررات مربوط به وسیله وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های مربوط و با همکاری آنان در داخل مؤسسه یا زندان فراهم نماید». ملاحظه می‌شود که نویسندگان این آیین‌نامه با پیروی از سیاست خبرگان قانون اساسی جمهوری ایران در اصل سی‌ام زندان‌ها را به بستر سازی و تهیه امکانات مناسب آموزشی و پرورشی برای زندانیان موظف ساخته‌اند. در واقع، آنان به پیروی از خبرگان قانون مذکور ماهیت حق - مطالبه‌ای تحصیل را به رسمیت شناخته‌اند. به این ترتیب، از منظر تدوین‌کنندگان این آیین‌نامه باید برای بازپذیری اجتماعی بزه‌کاران اقدام‌های متعدد از جمله آموزش و پرورش آنان را به کار گرفت. طبیعتاً، بستر سازی برای دسترسی همه زندانیان به آن از مهم‌ترین اقدام‌هاست.

دوم؛ رایگان بودن، آموزش و پرورش در شمار حق‌های بنیادی افراد است. از این رو، دولت‌ها باید امکانات مناسب جهت دسترسی همگان به این حق را فراهم نمایند. رایگان بودن از مهم‌ترین اقدام‌های دولت‌ها در این زمینه به شمار می‌رود. بر همین اساس، نویسندگان این آیین‌نامه در ماده ۱۴۱ به گونه‌ای به رایگان بودن آموزش و پرورش زندانیان اشاره کرده‌اند. به موجب این ماده «پرداخت هزینه‌های مربوط به تحصیلات عالی از رهگذر برنامه‌های عادی یا مکاتبه‌ای با خود محکوم است، سازمان مکلف است به هزینه محکوم کتاب‌ها و وسایل لازم را تهیه کرده، در اختیار او قرار دهد». پیداست که مطابق این ماده صرفاً هزینه‌های مربوط به تحصیلات عالی بر عهده زندانیان است و تحصیل در سایر دوره‌ها مانند دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه که در ماده ۱۴۰ به آن‌ها اشاره شده است، رایگان می‌باشد.

سوم؛ اجباری بودن، آموزش و پرورش به ارتقاء سطح آگاهی‌های افراد می‌انجامد. به همین جهت، سیاست‌گذاران جنایی فراگیری سواد را برای زندانیان اجباری کرده‌اند تا به این واسطه معلومات آنان افزایش یافته است و تا اندازه‌ای زمینه‌های بازسازی اجتماعی این دسته فراهم گردد. در همین چارچوب، تدوین‌کنندگان آیین‌نامه پیش گفته از رهگذر تبصره ماده ۱۳۷ اجباری بودن سوادآموزی زندانیان را به رسمیت شناخته‌اند. بر پایه این تبصره «شرکت افراد بی‌سواد کمتر از شصت سال در کلاس‌های سوادآموزی اجباری است...». ملاحظه می‌شود که نویسندگان این آیین‌نامه با در نظر داشتن کارکردهای مؤثر این حق در جامعه‌پذیری دوباره بزه‌کاران به فراگیری سواد جنبه اجباری بخشیده‌اند تا در پرتو آن نوع نگرش زندانیان تغییر یابد. البته، اجباری بودن سوادآموزی صرفاً، جنبه اعلامی نداشته و نادیده انگاشتن آن از سوی بزه‌کاران زندانی با پاسخ‌های محروم‌کننده همراه می‌شود. به این صورت که به موجب تبصره پیش‌گفته «... عدم شرکت در کلاس‌های یادشده می‌تواند موجب محرومیت از امتیازها گردد».

در قلمرو سیاست جنایی ایران آموزش و پرورش زندانیان فقط به ایجاد امکانات مناسب برای سوادآموزی بی/ کم سوادان و یا فراهم ساختن بسترهای تحصیل در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه محدود نمی‌شود، بلکه به امکان ادامه تحصیل زندانیان در دوره‌های عالی/ دانشگاهی نیز توجه شده است. مطابق ماده ۱۴۰ آیین‌نامه مذکور «... سازمان مکلف است وسایل تحصیلی ... عالی ... را برای علاقه‌مندان به ادامه تحصیل با اجرای برنامه‌های عادی یا مکاتبه‌ای و رعایت مقررات مربوط به وسیله وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های مربوط و با همکاری آنان در داخل مؤسسه یا زندان فراهم نماید». به این ترتیب، زندانیان حق دارند در دوران حبس به دانشگاه‌ها راه یابند و در این عرصه به ادامه تحصیل مبادرت ورزند؛ ادامه تحصیلی که می‌تواند در کنار ارتقاء سطح معلومات افراد به مهارت آموزی و ایجاد یک زمینه کاری/ شغلی برای این دسته بیانجامد.

در پرتو این حق باید بسترهای مناسب برای دسترسی بزه‌کاران زندانی به امکانات تحصیلی فراهم گردد تا آنان به جهت ناتوانی مالی و اقتصادی مجرمان از راه‌یابی به دانشگاه‌ها باز نمانند. مثلاً زندان رجایی‌شهر در پی توافق‌نامه‌ای که با دانشگاه پیام‌نور منعقد نموده است امکان برگزاری امتحان/ آزمون ورود زندانیان به این دانشگاه به منظور ادامه تحصیل این دسته از بزه‌کاران را مهیا ساخته است. در همین راستا، شماری از زندانیان به این دانشگاه راه پیدا کرده‌اند و در رشته‌هایی مانند مهندسی صنایع، مترجمی زبان انگلیسی و علوم تربیتی مشغول تحصیل‌اند. (www.tehranprison.ir) یا در زندان یزد ۴۵۲ زندانی تحت برنامه‌های آموزش فنی- حرفه‌ای قرار گرفته‌اند؛ آموزش‌هایی در حوزه‌های اتومکانیک، صنایع ساختمان، برق ساختمان و مانند این‌ها. (www.mehrnews.com) علاوه بر این‌ها، هم‌چنان مسوولان زندان‌ها برای دسترسی مطلوب‌تر زندانیان به این حق درصدد برقراری تعامل بیشتر با نهادهای آموزشی و پرورشی و دانشگاهی‌اند. به گفته رییس مؤسسه آموزش از راه دور وزارت آموزش و پرورش، آموزش زندانیان در کلیه سطوح

تحصیلی از برنامه‌های این نهاد بوده تا به این واسطه اسباب ارتقاء سطح دانش زندانیان فراهم شود.

از همین رو است که به موجب تبصره ماده ۱۴۱ «در صورتی که محکوم به جهت عدم بضاعت قادر به پرداخت هزینه‌های ذکر شده در این ماده نباشد، پرداخت هزینه‌ها به وسیله انجمن حمایت از زندانیان صورت می‌گیرد». ملاحظه می‌شود که تصمیم‌گیران سیاست جنایی ایران با در نظر داشتن اهمیت و نقش آموزش و پرورش در اصلاح و درمان بزه‌کاران حق تحصیل برای این دسته را به رسمیت شناخته و حتی سازوکارهایی برای دسترسی به آن پیش‌بینی کرده‌اند.

بنابراین، آموزش و پرورش از مصادیق بنیادین حق‌های بشری است که دارای قابلیت جرم‌شناسانه نیز بوده و بر همین اساس مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی ایران قرار گرفته است تا بزه‌کاران به این واسطه از حیث اجتماعی بازپذیر شود. ضمناً، تأکید سیاست جنایی ایران بر آسان‌سازی دسترسی بزه‌کاران به حق بر آموزش و پرورش به دوران حبس محدود نمی‌شود. زیرا، فرآیند بالینی در بستر زندان مرحله‌های متعددی دارد که یکی از آن‌ها دوران سلب آزادی است. دوره‌های دیگر، خصوصاً دوره پس از آزادی بزه‌کاران هم اهمیت زیادی داشته و در مقاوم‌سازی مجرمان در برابر وسوسه‌های ارتکاب جرم و گرویدن دوباره به سوی بزه‌کاری نقش بنیادی ایفاء می‌نماید. به همین جهت، سیاست‌گذاران جنایی ایران در بندهای الف، ب و ج ماده ۲ آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج ۱۳۷۸ «در ایجاد زمینه لازم جهت... ادامه تحصیل... برای مددجویان»، «ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزش...» و «نظارت بر رفتار مددجویان در مراحل اولیه آزادی و ارتقاء سطح دانش و فرهنگ...» را در شمار وظایف اساسی مراکز مراقبت بعد از خروج گنجانده است تا از این رهگذر اسباب دستیابی به هدف بنیادی این نهاد که مطابق ماده ۱ آیین‌نامه همانا «... اصلاح و تربیت زندانیان... از طریق حمایت مادی و معنوی از زندانیان آزاد شده... فراهم نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی...» است، مهیا شود. البته، پیش‌تر نیز اهمیت آموزش بزه‌کاران پس از رهایی از زندان در اساسنامه انجمن‌های حمایت زندانیان ۱۳۶۰ مورد توجه قرار گرفته بود. به این شکل که هیأت مدیره این انجمن به موجب بند ز ماده ۱۶ باید در راستای «... سواد آموزی...» زندانیان و یا بزه‌کاران آزاد شده از حبس برنامه‌ریزی کنند. بر همین اساس، قسمت اجتماعی این انجمن مطابق ماده ۲ آیین‌نامه انجمن‌های حمایت زندانیان ۱۳۶۰ مأموریت یافته تا اقدام‌های حمایتی مناسب از جمله حمایت‌های آموزشی و پرورشی را نسبت به زندانیان و نیز زندانیان رها شده بکار گیرد. این قسمت از انجمن به موجب مواد ۱۱ و ۱۲ آیین‌نامه مذکور از طریق مددکاران اجتماعی گزارشی از وضعیت بزه‌کاران آزاد شده از زندان تهیه کرده و سپس، با توجه به نیازمندی‌های مددجو در جهت یاری رسانی و یا اقدام می‌نماید. پس، با توجه به این‌که ادامه تحصیل بزه‌کاران حتی بعد از رها شدن از حبس از جمله مصادیق این اقدام‌هاست، انجمن

مذکور می‌تواند با یک برنامه‌ریزی سنجیده فرآیند اصلاح و درمان ناقضان باید‌ها و نباید‌های کیفری را به صورت اثربخش / کارآمدتر ساماندهی کند.

ملاحظه می‌شود که آموزش و پرورش زندانیان صرفاً یکی از جلوه‌های بارز حق‌های بشری نیست، بلکه سازو کاری مناسب برای بازپروری بزه‌کاران محبوس است که مورد توجه تصمیم‌گیران سیاست جنایی ایران واقع شده است تا به این وسیله ضمن برقرار نگاه داشتن فرصت تحصیل برای زندانیان، زمینه‌های بازپروری این دسته به منظور کاهش شمار تکرار جرم نیز فراهم شود.

علاوه بر این، در مقررات ناظر به کودکان بزه‌کار مشمول تدابیر سلب‌کننده آزادی نیز این حق مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، آیین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت ۱۳۴۷ از مهم‌ترین آن‌هاست که چگونگی آموزش و پرورش کودکان بزه‌کار و ابعاد این حق را تبیین کرده است. مطابق ماده ۱۰ این آیین‌نامه «اطفالی که به کانون اصلاح و تربیت اعزام می‌شوند، موظف هستند که طبق برنامه کانون در هفته سی و شش ساعت در کلاس‌های درسی ... به تحصیل اشتغال داشته باشند ...» بر این اساس، کانون اصلاح و تربیت مکلف شده است تا به تهیه امکانات مناسب جهت دسترسی این دسته از بزه‌کاران به حق بر آموزش و پرورش مبادرت ورزد. ضمن این که، در پرتو این ماده تحصیل کودکان بزه‌کار جنبه اجباری داشته و اینان باید تابع برنامه‌های آموزشی و پژوهشی کانون مذکور باشند تا به این واسطه زمینه‌های سواد آموزی، آشنایی این دسته با هنجارها/ ارزش‌های اجتماعی و در واقع اسباب ارتقای سطح معلومات و رشد/ پرورش شخصیت فراهم گردد.

در همین راستا، به موجب ماده ۱۲ «... اجرای برنامه‌های ... آموزش علمی ... به اطفال...» در شمار وظایف اصلی مدیر کانون گنجانده شده است؛ به گونه‌ای که بر پایه ماده ۱۳ وی مکلف شده است که: «... حداقل هر سه ماه یک بار گزارش کاملی از ... پیشرفت‌هایی که حاصل کرده است به رییس دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است، بدهد ...» پیداست که یکی از مصادیق این گزارش می‌تواند وضعیت تحصیلی کودکان مشمول سلب آزادی باشد تا از این رهگذر، از یک سو دادگاه محکوم‌کننده نسبت به وضعیت تحصیلی این کودکان آگاهی یابد و از سوی دیگر، میزان شایستگی اینان برای برخورداری از ارفاق کیفری مشخص شود.

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که در پهنه سیاست جنایی ایران آموزش و پرورش کودکان بزه‌کار در شمار وظایف بنیادی کانون اصلاح و تربیت قرار گرفته است. البته؛ با توجه به این که کلیه ابعاد حق بر تحصیل این دسته از بزه‌کاران در آیین‌نامه مذکور به طور کامل تبیین نشده است، باید به مقررات بنیادی و فراگیر مربوط به این مقوله مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸ و آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۳۸۴ مراجعه کرد. در همین راستا، برای نمونه کانون اصلاح و تربیت تهران در ساختار خود قسمتی را به مدیریت امور آموزشی و پرورشی کودکان زندانی اختصاص داده است. اداره فرهنگی معاونت بازپروری این کانون با برخورداری از «واحد آموزش»

مأموریت یافته تا در این خصوص اقدام‌های مناسب را بکار گیرد. از این رو، در کانون اصلاح و تربیت تهران با همکاری وزارت آموزش و پرورش مدرسه‌ای برپا شده است تا از این رهگذر کودکان زندانی امکان سواد آموزی و ادامه تحصیل را بیابند.

نتیجه‌گیری

بازپروری بزه‌کاران هم چنان از اصلی‌ترین هدف‌های عدالت کیفری است. زیرا، در پرتو این هدف موجبات بازسازی سامانه شخصیت بزه‌کاران و ساماندهی نظام رفتاری آنان فراهم می‌گردد. (غلامی، ۱۳۸۷: ۶۸) اهمیت این حق آن چنان است که در این زمانه به جهت همسو بودن بیش تر کشورها در این زمینه می‌توان از «جهانی شدن بازپروری بزه کاران» سخن گفت.

بازپروری بزه کاران، علاوه بر این که ماهیت جرم‌شناسانه دارد، از ماهیت حقوق بشری نیز برخوردار هست. زیرا، درست تربیت شدن و بسترسازی برای هنجارمند شدن شهروندان از مصادیق بارز حقوق بشری است و بر همین اساس، انسان‌ها حق دارند از ابزارها و امکانات مناسب به منظور هم‌نوا شدن با قواعد اجتماعی و فراگیری ارزش‌های اساسی جامعه بهره‌مند شوند. (سیتو، ۲۰۰۸: ۵) به این ترتیب، بازپروری بزه‌کاران که نظام عدالت کیفری از رهگذر آن به دنبال برطرف کردن معضلات فردی و محیطی مرتکبان جرم است، حق بشری - جرم‌شناسانه است. (پرادل، ۱۳۸۷: ۱۲۱) به همین جهت و برای تضمین این حق است که حق بر اصلاح و درمان در چارچوب مقررات بنیادی شناسایی شده است. در قلمرو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸ به موجب قسمت دوم بند ۱۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم «...اصلاح مجرمین» در شمار تکالیف قوه قضاییه قرار گرفته است تا در پرتو آن دسته‌ای از بزه کاران نسبت به بهره‌مندی از اقدام‌های بازپرورانه حق پیدا کنند. این سیاست به اصلاح و درمان بزه کاران در گستره حقوق ایران جنبه اساسی داده است. چنان که، می‌توان از «اساسی سازی بازپروری بزه کاران» سخن به میان آورد. علاوه بر این، بازپروری بزه کاران در دیگر عرصه‌های سیاست جنایی ایران نیز تبلور یافته است، مانند بند ۱۳ سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله ۱۳۸۸ «اهتمام در اصلاح امور زندان‌ها و زندانیان». از این رو، قانون‌گذار عادی و دیگر سیاست‌گذاران باید رویکرد بازپرورانه را در تدابیر عدالت کیفری مورد توجه قرار دهند.

حق بازپروری درصدد رفع مشکلات فردی و محیطی و بازسازی شخصیت بزه‌کاران می‌باشد، از پهنه‌ای گسترده برخوردار است. بر همین اساس، کارگزاران عدالت کیفری از حق بر آموزش و پرورش نیز برای جامعه پذیر کردن مجرمان استفاده می‌کنند. چه این که، بزه‌کاران در پرتو حق مذکور با آموزه‌های تربیتی و پرورشی و شیوه‌های درست برخورد با مناسبت‌های اجتماعی آشنا می‌شوند. در واقع، آنان به واسطه این حق به سمت هنجارمند

شدن سوق یافته و احتمال بازپذیری اجتماعی‌شان تقویت می‌شود. به همین جهت، این سازوکار اصلاحی- درمانی مورد توجه تصمیم‌گیران سیاست جنایی بین‌المللی قرار گرفته است تا از این رهگذر، از یک سو زمینه‌های دسترسی بزه‌کاران به حق بر آموزش و پرورش و از سوی دیگر، اسباب بازسازی اجتماعی آنان فراهم گردد.

در قلمرو سیاست جنایی ایران افزون بر تأکید مقررات بنیادین بر حق همگان در برخورداری از آموزش و پرورش، شماری از مقررات ویژه زندان نیز آن را به رسمیت شناخته و حتی سازوکارهای دسترسی زندانیان به این حق را پیش‌بینی کرده‌اند، چنان‌که، تعدادی از گزارش‌های مراجع رسمی از آموزش و پرورش زندانیان در بستر محیط تحصیلی حکایت دارد.

این سیاست‌ها نشان دهنده توجه کارگزاران عدالت کیفری به دسترسی زندانیان به حق بر آموزش و پرورش است، اما به نظر می‌رسد کافی نباشند. زیرا، شماری از گزارش‌ها/ اطلاع‌رسانی‌ها حکایت از توافقی‌های نخستین میان مسئولان دو نهاد آموزشی و پرورشی و عدالت کیفری دارد و دیگر این که به صورت گسترده برنامه‌ای منسجم در این خصوص مشاهده نمی‌شود. تأکید قسمت ۲ بند م ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۹۰ مبنی بر «آموزش زندانیان واجد شرایط با همکاری آموزش و پرورش» را می‌توان مؤید این برداشت پنداشت. به این معنا که هنوز وضعیت تحصیل زندانیان در شرایط مطلوب قرار ندارد و باید برای آن برنامه ریزی کرد.

روی هم رفته، سیاست‌گذاران جنایی ایران باید به آموزش و پرورش بزه‌کاران که در این زمانه از مصادیق بارز «جهانی شدن جرم‌شناسی» به شمار می‌رود، به گونه‌ای جدی‌تر توجه کنند. حتی این توجه می‌تواند تا آن جا پیش رود که در نمودار تشکیلاتی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و هم‌چنین قانون اصلاح و تربیت یک نهاد مشخص مانند اداره کل آموزش و پرورش (تحصیل) زندانیان پیش‌بینی شود تا به شکل منسجم‌تری در راستای دسترسی بزه‌کاران زندانی به این حق که در شمار تکالیف جرم‌شناسانه دستگاه قضایی در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۹۰ قرار گرفته است، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شود.

منابع

۱. بابایی، محمدعلی؛ (۱۳۹۰)؛ جرم‌شناسی بالینی، تهران: میزان.
۲. پرادل، ژان؛ (۱۳۸۷)؛ تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: سمت.
۳. تقی‌پور ظهیر، علی؛ (۱۳۸۶)؛ مبانی و اصول آموزش و پرورش، تهران: آگه.
۴. دانش، تاج زمان؛ (۱۳۷۶)؛ حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، تهران: دانشگاه تهران.
۵. دوآ، آرت هیمن؛ (۱۳۸۲)؛ آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ترجمه یوسف مولایی و رشید برناک، تهران: گرایش.
۶. سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی؛ (۱۳۸۱)؛ رویه عملی در زندان (کاربرد مقررات بین‌المللی در امور زندان‌ها)، ترجمه علی اکبرپور، تهران: راه تربیت.
۷. شیکر، دیوید؛ (۱۳۸۹)؛ مفهوم و ماهیت مجازات، ترجمه حسین آقای جنت مکان، اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۸. صفاری، علی؛ (۱۳۸۷)؛ کیفرشناسی، تهران: جنگل.
۹. صلاحی، جاوید؛ (۱۳۸۹)؛ کیفرشناسی، تهران: میزان.
۱۰. غلامی، حسین؛ (۱۳۸۷)؛ تکرار جرم (بررسی حقوقی - جرم‌شناختی)، تهران: میزان.
۱۱. مک کنزی، دوریس لیتون؛ (۱۳۹۴)؛ پیش‌گیری از تکرار جرم، ترجمه یاسمن خواجه نوری و امیرحسین نیازپور، در: دانشنامه پیش‌گیری از جرم آکسفورد، به کوشش حمید ضا نیکوکار، تهران: میزان.
۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ (۱۳۹۰)؛ تقریرات مباحثی در علوم جنایی، ویراست ششم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ (۱۳۸۵)؛ سیاست جنایی ایران در قلمرو اداره زندان‌ها: تحول مستمر مقررات اجرایی، دیباچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، زیر نظر؛ (۱۳۹۳)؛ دانشنامه بزه دیده شناسی و پیش‌گیری از جرم، جلد نخست و دوم، تهران: نشر میزان.
۱۵. نیازپور، امیرحسین؛ (۱۳۸۵)؛ بازپروری بزه‌کاران در مقررات ایران، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، شماره ۱۱.
۱۶. هاشمی، سید محمد؛ (۱۳۸۴)؛ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: میزان.
17. Carrabine, Eamonn and others (2009): criminology (a sociological introduction), routledge publisher.
18. Seiter, Richard. P (2008). Corrections (an introduction), pearson prentice hall.
19. Siegal, Larry. J and Senna, Joseph. J (2008), introduction to criminal justice, Thomson and wadsworth publisher.